# بررسی نقش نماز و مسجد در پیشگیری از کجروی ها و آسیب های فردی واجتماعی

## مجید عسکری

## کارشناس مدیریت آموزشی، معاون پرورشی آموزش و پرورش سبزوار

## ملک سیماتقی زاده

## کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، کتابدار نهاد کتابخانه های عمومی کشور

## مریم حاجیلو

## دیپلم ریاضی، همدان

چکیده

امروزه بسیاری از جوامع در پی آن هستند که بتوانند بدون استفاده از روش­های کیفری و با اتخاذ سیاست­ها و برنامه­های پیشگیرانه، زمینه­ی کجروی­ها و آسیب­های فردی و اجتماعی را کاهش دهند. از این­رو، توجه به فرایض و آموزه­ی دینی و احساس مذهبی، و نیز حضور در اماکن­ متبرکه و مساجد می­تواند به مسئولین و برنامه­ریزان کمک وافری در این ضمینه نماید. مقاله­ی حاضر که با شیوه­ی گردآوری مطالب، و بهره­گیری از روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از منابع معتبر و مستدل، گِردآوری شده است، ضمن تبیین و توضیح برخی از علل و عوامل بروز آسیب­های فردی و اجتماعی، به بررسی و تحلیل نقش نماز و مسجد در پیشگیری وکاهش آسیب­ها و کجروی­های فردی و اجتماعی می­پردازد. چرا که اقامه­ی راستین نماز آثار فراوانی مانند ایجاد نظم، اخلاص، شکرگزاری، وقت­شناسی، دوری از گناه و جرم و فحشا و اتحاد و همبستگی در نمازگزاران دارد. نماز راهی است برای اینکه انسان­ها صراط مستقیم را درپیش گیرند و در گذر زمانه از آسیب­ها و خطرات در امان باشند. مسجد نیز با توجه به فعّالیّت­ها، برنامه­هایی که در اجتماع انجام می­دهد، با گرِد هم آوردن و در دست داشتن طیف و قشر سنّی متفاوت، در تربیت دینی افراد، جایگاه والایی داشته و بسیار حائز اهمیّت است.

کلید واژگان: آسیب­ها و کجروی­های فردی و اجتماعی؛ نماز؛ مسجد؛ پیشگیری و بهبود.

مقدمه

انسانِ هزاره­ی سوم، با وجود صنعت و تکنولوژی کم تر فرصت می­کند که به راز خلقت خود و اهداف از پیش تعیین شده­اش بپردازد. اگرچه این عصر را عصر تمدن می­نامند و پیشگامان در صنعت و تکنیک و تکنولوژی را ممالک پیشرفته و مترقی می­خوانند؛ امّا نباید از یاد بُرد که همه­ی این ترقیّات، به پیشرفت­های صنعتی و ماشینی برمی­گردد، نه پیشرفت انسان در هویت و کمالات انسانی، بشریت در دوره­ی کنونی گرفتار انحطاط و سقوط در دره­ی کج­روی­ها و آسیب­های فردی و اجتماعی شده است و تکامل انسانی را فقط در کمال ماشینی و صنعتی می­بیند و بر این باور است که مقصود از حیات بشری و کمال انسانی تنها همین است. (علامه نوری، 1378) حال آنکه «انسان در بینش اسلامی، دارای ویژگی­هایی است که دیگر موجودات عالم آفـرینش از آن ویژگی­ها بی­بهره­اند و به دلیل وجود همین برجستگی­هاست که به او فضـیلت کرّمنا[[1]](#footnote-1) بخشیده­اند و جام جانش را منبع اسماءُ الله ساخته­اند و در شکل، به احسن تقویم تکریمش کرده­اند و بر شمایل او ردای زیبای احسنُ الخالقین پوشیده­اند.» (تقوی، 1385: 27) و با ملّکف کردنش به فرایض دینی- مخصوصاً نماز- درصدد تربیت فضائل انسانی در شخصیّتش برآمده­اند. انسانی آراسته به فضائل انسانی، که هم دارای خصلت­ها و منش­هایی شود که منجر به تربیت انسانِ خداباور و شکل­گیریِ آرمان شهر اسلامی گردد؛ و هم هویت و شأنی در اجتماع کسب کند که از آسیب­های فردی و اجتماعی مصون بماند.

مساجد همواره در اجتماع، عهده­دار نقش­های مهمّی در عرصه­های عبادی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی بوده­اند. در سایه­ی رفت و آمد به مـسجد، و شرکت در برنامه­هایی چون نماز جماعت، خُلق و خوی­ها، آداب و منش­های افراد تا اندازه­ی زیادی هویدا می­گردد و حاکمیّت اسلامی می­تواند از این گذر، نیروهای متعهّد و مورد نیاز خود را بشناسد. تاریخ گواه است که در برهه­هایی که ایران فاقد یک حکومت مرکزی بوده، یا حکومت و سردمدارانش فاسد بوده­اند، همواره عدّه­ای از عالِمان دینی، با دور هم جمع کردن افرادی که درد دین و انسانیّت داشته­اند، توانسته­اند مساجد و هیأت­ها و زورخانه­ها را احیا کرده و زیر پرچم اسلام و قرآن، با تربیت نیرو­هایی متخصص و زبده، هم در مقابل قدرتمندان زر و زور، و مزدوران و عمالان نابکاری که فساد و فحشا و تعرض و تجاوز و دزدی و غارت و ...، ـ انواع آسیب­های فردی و اجتماعی ـ را در جامعه نشر می­داده­اند؛ مبارزه کنند؛ و هم افراد را بر مبنای آموزه­های دینی، فردی بهنجار تربیت کنند. بدین ترتیب، مردم دریافته بودند که مسجد هم عبادتگاه است و هم دادگاه و محلّ دفاع از مظلومان و مبارزه با تبعیض و بی­عدالتی­ها، و آن را خانه­ی امید خود می­دانستند و با دیده­ی­ قدس و احترام بیشتری بدان می­نگریستند. چنانکه مسجد، در جایگاه اصیل خویش این گونه بوده است. (نوبهار،1375) یکی از مهم­ترین فرایضی که در مساجد اقامه می­شود نماز است. نماز بعنوان بزرگ­ترین و مهم­ترین فریضه­ی دینی واجب شده است تا بشریت را از ورطه­ی غفلت و فراموشی، هوس و شهوت و انواع و اقسام کجروی­ها و آسیب­ها برهاند. نماز نه تنها در شکل­گیری شخصیّت فردی و اجتماعی افراد مؤثر است، بلکه « در تمام شئون زندگی انسـان تأثیرگزار است. کسی که نماز می­خواند مال مردم را غصـب نمی­کند، مال یتیم را نـمی­خورد و اهل رشوه و ریا نمی­شود؛ زیرا اگر با مال غصبی و شبهه­ناک لباس بخرد و بپوشد، نمازش باطل است و اشکال بر نمازش وارد.» (خرسندی، 1389: 95) «هر کس نماز می­خواند امین جان و مال و ناموس مردم است؛ نه کم فروشی می­کند و نه گران فروشی؛ نه غیبت می­کند و نه تهمت می­زند و نه دشنام می­دهد. نه خیانت می­کند؛ نه ظلم می­کند و نه زیر بار ظلم و ذلّت می­رود. هر کس نماز می­خواند چهره­ای گشاده دارد و مهربان و با محبّت است؛ پرخاشگری نمی­کند؛ دشمنی روا نمی­دارد، حق­ناشناسی نمی­کند. هر کس نماز می­خواند شخصیّتش آمیزه­ای از عطوفت و منطق و استواری است؛ صادقانه و شجاعانه سخن می­گوید [و] عادلانه می­اندیشد.... .» (ستاد اقامه نماز، 1376: 133) اینک با مسئله­ساز شدن آسیب­های فردی و اجتماعی در جامعه، آدمی به فکر فرومی­رود که آیا مشکلات و مسائل جامعه­ی حاضر، نتیجه­ی کمرنگ شدن بُعد معنویت، مخصوصاً نماز در جامعه نیست؟ آیا نباید آرامش روحی و روانی را درآغوش نماز جستجو کنیم؟ آیا نماز نمی­تواند سنگر امن آدمی در رویارویی با آسیب­ها و کجروی­های فردی و اجتماعی باشد؟ آیا مکان نمازگذار به مانند خود نمازگذار دارای اهمیت است؟ مساجد چگونه می­توانند در پیشگیری و کاهش کجروی­ها و آسیب­ها تأثیرگذار باشند؟ این مقاله ضمن اشاره به علل و عوامل آسیب­های فردی و اجتماعی، به نقش نماز و مسجد، در پیشگیری از کجروی­ها و آسیب­های فردی و اجتماعی می­پردازد.

نماز

نماز در لغت به معنای پرستش و بندگی، و در اصطلاح فقه عملی عبادی با اجزاء و شرایط خاص است. نماز یکی از مناسک دینی است؛ که مهم­ترین پیامدهای اجتماعی دین، حفظِ وحدت و وفاق اجتماعی و ترجیح منافع دیگران بر منافع شخصی است. در آموزه­های دینی و احادیث و روایاتی که از معصومین علیهم السلام، رسیده است؛ بسیار به اهمیت نماز پرداخته­اند. از جمله، حضرت رسول صلی­الله علیه و آله وسلّم، نور چشم خود را در نماز می­داند[[2]](#footnote-2). حضرت امیر علیه­السلام از رسول خدا صلی­الله علیه و آله وسلّم نقل می­کند که فرموده­اند: پیامبر اسلام نماز را تشبیه کرد به گرمابه­ای که بر در سرای مرد باشد و هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد که هرگز چرک و آلودگی در بدن او نخواهد ماند.[[3]](#footnote-3) نماز نردبانی است که آدمی را از صحنه­ی قشر مادی، به صفحات روحانی و ملکوتیِ معنویت پیوند می­دهد. همه­ی افراد بشر، در هر زبانی که باشند، در تمام مناطق عالم و همه­ی زمان­ها مکلّف به نماز بوده و هستند؛ و هیچ مسلمانی در هیچ حالی، در ادای نماز معاف نیست. چرا که نماز بزرگترین ذکر الهی است[[4]](#footnote-4) و مردم در روز قیامت به هفت خصلت نیاز پیدا می­کنند که یکی از آنها نماز است[[5]](#footnote-5). پس ذکر خداوند که با نماز حاصل می­شود، هر چرک و آلودگی را می­زداید. (جوادی آملی، 1392) از آنجایی که نماز توجه و تقرّب به خداوند است؛ کسی که به نیروی لایزال الهی توسل می­جوید و هر روز در 5 نوبت، رو به سوی خالق خود می­آورد، هرگز دست به محرمات نمی­زند. «انسان نمازگزار باید به این نکته توجه کامل داشته باشد که نماز را ظاهری هست و باطنی، سیرتی هست و صورتی، او باید تمام تلاش خود را بر این موضوع متمرکز نماید که با انجام حرکات و بیان کلماتی خاص، از ظاهر به باطن دست پیدا کند، از روایت نماز عبور نموده و به درایت برسد. به هر اندازه که معرفت نمازگزار، به نماز و فلسفه­ی آن بیشتر باشد طبعاً برای دستیابی به محتوا و حقیقت نماز سرمایه­گذاری بیشتری خواهد کرد.»(تقوی، 1385: 39) «نماز، این زیباترین پیوند انسان زمینی و معبود آسمانی، برکه­ی با برکتی است که انسان را از "خود" فراتر می­برد و او را به رشدها و عظمت­ها می­رساند. زیرا روح نماز، زمانی حاصل می­شود که آدمی، تمام توجه و دقّت خود را معطوف به پروردگار و راز سخن گفتن با وی نماید و از "خود" و "خودی" رها شود. معنای حضور قلب در نماز نیز این است که نمازگزار، جز معبود و یاد او را در قلب خود راه ندهد، زیرا قلب مؤمن عرش خدای رحمان است و بیگانه را نباید در خانه راه داد.» (شرفی، 1379: 2)

در جاهایی از نماز به عنوان دعا یاد شده و «این بهترین نوع خودآگاهی فلسفی و آموزش اخلاقی است. اینجا است که دعا به عنوان یک عامل تربیتی، بر روی اخلاق، رفتار، عادات، ماهیّت و روح نیایشگر تأثیر می­گذارد و یک انقلاب درونی در درون فرد به وجود می­آورد و بالآخره او را متوجه گناهان و نقاط ضعف خود می­سازد.» (تقدّس،1372: 13) مطالب بسیار زیادی می­توان درباره­ی نماز بیان نمود ولی آنچه که بیشتر از همه باید مدنظر قرار گیرد اهمیتی است که نماز بر روح و روان انسان ها دارد. و اینکه این تأثیر می­تواند بر جامعه نمود داشته باشد. خداوند بزرگ در قرآن کریم می­فرمایند: انِ الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر.[[6]](#footnote-6) « در اين آيه به مهم­ترين فلسفه و آثار نماز که بازدارندگي آن از زشتي­ها و گناهان باشد، تصريح شده است. يعني: نماز پرونده­ي روح، و پاک کننده­ي آن از زشتي­ها و ناپاکي­ها است، نماز در روح انسان، اراده قوي، و نيروي خدا ترسي مي­آفريند، و انسان را عبد و بنده­ي تسليم حق مي­کند و در پرتو چنين اراده و نيرو و عبوديت، انسان از زشتي­ها و گناهان دور مي­گردد. «فحشاء» يعني گناهان بزرگ پنهاني، و «منکر» يعني گناهان بزرگ آشکار، و بعضي گويند: فحشاء گناهاني است که بر اثر غلبه­ي قواي شهويه دامن­گير انسان مي­شود، ولي منکر، يعني گناهاني که بر اثر غلبه­ي قوه­ي غضبيه، صورت مي­گيرد. منظور از «نهي نماز» هم نهي تشريعي است يعني صحت و کمال نماز مشروط به ترک گناهان است، و هم نهي تکويني، يعني نماز ذاتاً اثر بازدارندگي از گناهان دارد»( اشتهاردي،1390)

آثار و فواید نماز بر روح و روان انسان و جامعه

تعلیمات دینی و مذهبی، تربیت اخلاقی و اعتقادات مذهبی روح تازه­ای در اعضای جامعه ایجاد می­کند. تعلیمات مذهبی، شناساندن ارزش­های اخلاقی و کاهش توجه به امتیازات مادی، مهم­ترین وسیله برای جلوگیری از آسیب­ها و کجروی­هاست.(جامی،1392) اقامه­ی نماز بر روح و روان افراد جامعه تأثیرات بسیاری می­گذارد و بالطبع می­توان تأثیر آن را بر جامعه نیز مشاهده کرد. برخی از آثار و فواید نماز بدین شرح است: یکی از اصلی­ترین راه­های درمان [بیماری­های روحی و روانی] است؛ چون انسانی که نمازگزار و مأنوس با عبادات و راز و نیاز باشد در شرایط رفاه و سختی تعادل خود را از دست نمی­دهد و فوراً زبان به اعتراض نمی­گشاید و به فرموده­ی خدا در قرآن در شر جزوع و در خیر منوع نمی­باشد[[7]](#footnote-7).

یکی دیگر از راه­های درمان روان ناسالم خواندن و عمل کردن به دستورات قرآن است؛ چون در وقت خواندن قرآن انسان احساس می­کند که خداوند با انسان صحبت می­کند ... خداوند پناهگاهی در دو سوره­ی " معوذتین" یعنی ناس و فلق قرار داده و بیان کرده است [که] تنها راه نجات بشریت، توجّه و توسل به معنویات است... و قرآن به شفابخش بودن آیات قرآن تأکید فرموده است.[[8]](#footnote-8) و در نماز حداقل یک سوره از قرآن را باید تلاوت کرد.(خرسندی،1389)

جلوگیری از زشتی­ها[[9]](#footnote-9) و ایجاد مصونیت[[10]](#footnote-10)

افزایش قدرت مقاومت[[11]](#footnote-11)

وسیله تقرب خدا[[12]](#footnote-12)

عامل اصلاح خلقیات شیطانی[[13]](#footnote-13)

یاد خدا[[14]](#footnote-14)

معراج مؤمن[[15]](#footnote-15)

تأثیرات نماز بر جامعه و روان انسان­ها بقدری زیاد است که برای ترویج فرهنگ آن باید برنامه­ریزی­ها و سیاستگذاری­های بسیاری صورت گیرد. نه تنها این تعلیمات همه­ی ابعاد وجودی انسان را در بر می­گیرد، بلکه در این تعلیمات سن و جنس نیز مدنظر نیست و برای تمامی اقشار جامعه صورت می­گیرد. شایان ذکر است که چون کودکان و نوجوانان آینده­سازان هر اجتماعی هستند، بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرند. که در این بین نقش والدین برای ترویج فرهنگ نماز بیش از دیگر ارگان­ها و نهادهاست.

نقش والدین و تربیت در ترویج فرهنگ نماز

تنها خانواده است که به عنوان اوّلین مکان فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، باید مهد سواد و آموختن باشد. کودک و نوجوان باید حریم­ها را در خانواده حفظ کند تا در جامعه، به هنجارهای اجتماعی احترام بگذارد و گرفتار آسیب­ها و بزهکاری­ها نشود. چرا که «خانواده کانون اصلي رشد و تعالي انسان­هاست و به طوري که همه انسان­هاي بزرگ و رشد يافتگان سازنده جوامع، در کانون گرم و مقدس خانواده پرورش يافته­اند، خانواده کانون اصلي انتقال از روش­هاي فرهنگي، اعتقادي و اجتماعي است.» (بیابانگرد، 1383: 65) عامل بودن والدین به نماز، خود، روش مشاهده­ای و غیرمستقیم برای آموزش نماز به کودکان و نوجوانان است و منظور از آن این است که اگر والدین -که الگوهای عملی برای کودکان و نوجوانان خود هستند- برای نماز اهمیّت ویژه­ای قائل شوند و در این اندیشه پایدار و ثابت قدم بمانند، فرزندان ایشان نیز به سوی نماز گرایش پیدا می­کنند و به آن رو می­آورند. وقتی کودک از همان آغاز کودکی خویش، بارها و بارها مشاهده کند که پدر و مادر مهربان و دل­سوز و محبوب او در خانه، سفر، گردش، میهمانی، کار و در هر شرایط و موقعیتی به ندای اذان و اقامه نماز بیش از هر چیز دیگر اهمیّت می­دهند و بزرگ­ترین رسالت خود را به هنگام اذان، تحت هر شرایطی نماز خواندن و سخن گفتن با خدا می­داند، بدون تردید، نگرش و روش برداشت آنها از نماز نیز چنین خواهد بود. بی­گمان، پدر و مادری که خود عامل به نماز نیست و در رویارویی با هر یک از اموری که ذکر شد، امور مـادی را بر نماز مقدم می­شمارد و نماز را به تأخیر می­اندازد یا در اقامه­ی نماز و یادگیری آن سهل­انگاری می­کند، نمی­تواند الگوی مناسبی برای فرزندانش باشد و نباید از آنها انتظار داشت که فرزندانی نمازخوان و به­هنجار تحویل جامعه بدهند. پس در چنین مواقعی والدین به جای کاهش جرایم اجتماعی، در افزایش آن - توسط خود و فرزندان­شان که بالطبع از پدر و مادر و بزرگان الگو می­گیرند- تأثیر زیادی خواهند داشت. اگرچه والدین تمام تلاش خود را می­کنند تا راهنمای خوبی برای فرزندان خود باشند اما به دلایل متعددی از جمله؛ دوستان ناباب، سختگیری­های بی­موردو تذکرات بی­رویه و ... فرزندان خود را به سوی بزهکاری هدایت می­کنند. در این مواقع، والدین مشاوری امین و آگاه نیز نخواهند بودکه بتوانند دست آنها را در بحران­ها بگیرند و مانع از دچار شدن­شان به ویروس آسیب­های اجتماعی شده و از سقوط آنها در گرداب جهل و ناهنجاری­ها، جلوگیری کنند. (حیدری، 1385) آموزش به فرزند و یادآوری ارزش­های والای انسانی به او، سبب می­شود که کودکان و نوجوانان، در گروه دوستان و همسالان، قدرت "نه گفتن" داشته باشند و هرگز به هر قیمتی، و با هر تعارفی، پاکی و سلامتی خود را در راه بزهکاری فدا نکنند. (طاهری و انصاری، 1387)

والدین خود اولین کسانی هستند که می­توانند الگوهای خوبی برای فرزندان باشند و هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم بر فرزندان تأثیر داشته باشند. آنان می­توانند با اقامه­ی نماز و حضور در مساجد کودکان خود را تشویق کنند و ترغیب کنند. همانقدر که نماز و اقامه­ی آن می­تواند بر روح و روان افراد و جامعه موثر باشد، مساجد نیز می­توانند این تأثیر را ثابت و برقرار و نهادینه کنند.

مسجد

آن چه به نظر می­رسد، مسجد از دیرباز مرکز آمد و شد مردم بوده است و آحاد افراد جامعه اخبار مهم و به روز اجتماع­شان را از مساجد می­گرفته­اند. چرا که هر پیک و قاصدی اخبارش را بر منبر مسجد به گوش عموم می­رسانده و هر مسافر و در راه مانده­ای نیازش را بر درِ خانه­ی خدا اعلام و ابراز می­کرده است. «مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و نارسایی­های اجتماعی است. به طور طبیعی، حضور در چنین مکانی روح تعهّد و دردمندی را در فرد می­دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص، خود نوعی مبارزه با روحِ بی تـعهدی و بی تـفاوتی است؛ روحیه­ای که هر گاه در افراد جامـعه­ای ـ به ویژه نسل جوان آن ـ پیدا شود، آسیب­های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد.» (نوبهار، 1375: 24) مسجد در اصل واژه­ای عربی از ریشه­ی «سجد» به معنای سجده­گاه است. (معین، 1378: 4063) هم چنین مسجد به معنای محل سجده و نماز و در واقع به معنای جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال است. و می­توان از آن به عنوان یکی از مهم­ترین نهادهای دینی در تربیت افراد جامعه نام برد که ثمره­ی این تربیت، کاهش جرائم و ناهنجاری­های فردی و اجتماعی است. خواه این افراد به مسجد بروند یا نروند. (ابوالقاسمی :1393) «مسجد است که بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. از این­رو می­توان گفت یکی از رسالت­های مسجد نمونه، پرورش نیروهای متعهّد برای اداره­ی امور جامعه اسلامی است.» (نوبهار، 1375: 65)

متأسفانه امروزه، تاحدودی مساجد در جامعه طرد و ترک شده­اند و اهداف و مقاصدشان یا خرد و کوچک شده و آن جایگاه واقعی خود را از دست داده است. به نظر می­رسد که برای احیای مساجد، در وهله­ی اوّل، بایستی که خانواده­ها، دانشگاه­ها، حوزه­های علمیّه و مدارس، در تعامل با مساجد باشند و در اهداف­شان هم­پوشانی داشته باشند. چرا که در «ایران مدّت­های مدید تنها وسیله­ی تعلیم و تربیت افراد، سازمان­های مذهبی مخصوصاً مساجد بود که در آنجا مسائل مذهبی و اجتماعی مورد بحث قرار می­گرفت.»(صانعی،1372 : 482) همان طور که تاریخ شهادت می­دهد؛ بسیاری از مسائل عبادی و سیاسی، بحث­های فرهنگ و اخلاق، پرورش و تربیت نیروی ماهرِ نظامی و اجتماعی، و نیز، جلسات بحث و مناظره­ی علمی و رفع شبهات در مساجد ایراد می­شده است. از طرفی «در سایه­ی تجمّع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می­یابند، می­توان بهترین تشکّل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی پی­ریزی نمود.» (نوبهار، 1375: 68)

حضور در اجتماع و مساجد و به طور کلّی جمع­گرایی یکی از عادات و رسوم پسندیده­ی ایرانیان است که متأسفانه، در حال فراموشی است. در حالی که در مکتب تربیتی اسلام، "انزوا طلبی" و "جمع­گریزی" یک بیماری روحی شناخته شده و اجتماعی بودن و جمع­گرایی ـ در حد معقول آن ـ نشان سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می­آید. مسجد با فراخوانی پیوسته­ی مسلمانان به جمع، روح جمع­گرایی، انعطاف و نظم­پذیری را در آنان تقویت می­کند و درون­گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می­زداید. (همان، 1375) در اهمیّت جایگاه مسجد همین بس که رسول خدا صلي­الله­عليه­وآله­وسلم به ابوذر فرمودند: اي اباذر! همانا خداوند به تو به هر نفسي كه در مسجد مي­كشي درجه­اي در بهشت عطا مي­كند و درود مي­فرستد بر تو ملائكه؛ و به هر نفسي كه مي­كشي نوشته مي­شود براي تو ده حسنه و محو مي­شود از تو ده گناه. (بحارالانوار، ج77، ص72،) مسجد خانه­ی خدا و قرآن، مدرسه عشق، مکتب دانش، مرز بینش و محل گرفتن فیوضات ربانیه از عالم قدس است. مکان تبلیغ و ارشاد و هدایت مردم و عرضه کردن قوانین الهی و آشنا نمودن مردم با آن است. «آری مسجد گرد ملال و اندوه را از چهره­ی جان می­زداید. افسردگی را که یک بیماری شناخته شده­ی روحی است، برطرف می­کند و شادمانی و نشاط را که نشان سلامت و تکامل روحی است، جایگزین آن می­کند. از این­رو، امام صادق علیه­السلام به مسلمانان سفارش می­کنند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه­های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند.[[16]](#footnote-16)» (نوبهار،1375 : 17) و در جای دیگر بیان می کنند «کسی که به سوی مسجد گام برمی­دارد بر هیچ خشک و تری پا نمی­گذارد مگر این که از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می­کنند[[17]](#footnote-17).» (وسائل الشیعه، ج 3، ص 483). مسجد، پایگاه اجتماع مردم و زمینه­ساز ایجاد وحدت و همبستگی هرچه بهتر و بیشتر در میان اقشار مختلف اسلامی و دیدار با همدیگر در هر صبح و شام است. به طوری که امیرالمؤمنین علی علیه­السلام، در احادیث خود برای مسجد کارکردهای مختلفی را بیان کرده است. در شکل 1 به این اهداف و کارکردها اشاره شده است.

**شکل شماره 1- اهداف و کارکردهای مسجد بر اساس احادیث امیرالمومنین(ع)( جانی پور،1390: 29)**

البته مسجد فقط براي نماز خواندن نيست. بلكه مكان تربيت مسلمانان نيز هست جايي است كه آنان آداب و احكام زندگي خود را ياد مي­گيرند تا يك مسلمان واقعي بشوند. و صد البته برای جذب مردم بخصوص کودکان و نوجوانان به این مکان ربانی باید فعالیت­های گوناگونی انجام داد. مسجد به عنوان مهم­ترين پايگاه براي جذب كودكان و نوجوانان نقش بسزايي در تقويت ايمان و روح معنوي فرزندان ايفا مي­كند، البته به شرط آنكه محيط آن براي كودكان و نوجوانان جذاب و بانشاط باشد تا بتواند ارزش­های مذهبی و اخلاقی را در وجود آنها پـرورش و تقـویت کند. چرا که یکی از عوامـل مؤثر در آسیـب ­اجتماعی اعتیاد را، فقدان ارزش­های مذهبی و اخلاقی، عنوان کرده­اند. چنان که یکی از راهکارهای مبارزه با این بلای خانمان­سوز، نیز، تقویت ارزش­های مذهبی و رواج و پرورش دادن باورهای دینی و اعتقادات مذهبی در کودکان و نوجوانان عنوان شده است.(سقازاده و کریم خانی، 1388) فراهم بودن زمینة حضور گروه‌های سنی مختلف در مساجد برای برپایی نماز جماعت، باعث می‌شود مسجد به عنوان نهادی مؤثر در فرایند اجتماعی شدن و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر عمل کند. ارتباط وسیع و نزدیک گروه‌های مختلف سِنّی، زمینه­ی آشنایی و درک ویژگی‌های هر دوره سِنی را برای افراد مختلف فراهم می‌آورد و موجب می‌شد رفتارها و تعاملات اجتماعی مردم متناسب با شرایط و مقتضیات سِنی شکل گیرد، ضمن آنکه رواج اخلاق حسنه در تعاملات مردم در مساجد و برپایی نماز جماعت و بالطبع آن در محلات و خیابان‌ها و غلبه اصل خیرخواهی بر روابط اجتماعی، زمینه اجتماعی شدن ثانویه برخی از افراد و گروه‌هایی را که رفتار و کردارشان انطباق کامل با ارزش­ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مطلوب را نداشت، فراهم می‌آورد و باعث می­شود که افراد با یکدیگر و در کنار یکدیگر روابط اجتماعی و تعامل اجتماعی داشته باشند و در مشکلات و سختی­ها یار و غمخوار هم باشند. مساجد می­توانند بر عوامل مختلفی تأثیرگذار باشند. از جمله:

الف- تقویت هویت دینی :

هویت دینی در درون انسان و با آفرینش او آمیخته است. با توجه به شاخص­های هویت دینی، مسجد با فعالیت­های مذهبی و آموزش­های بلندش، هویت دینی افراد اهل مسجد را تقویت می­کند و این در حالیست که دین و معنویت بزرگ­ترین مانع جرم و جنایت هستند که ضمانت اجرایی بالایی دارند. بی­رغبتی به دنیا، فروتنی و ... از شاخص­های دینی و هویت هستند و نبودن این شاخص­ها و دنیاپرستی و تکبر و خودخواهی به گونه­ای از علل جرم است.

ب- ایجاد موقعیت اجتماعی :

دست زدن به جرم، نشان دهنده عقده روانی در اجتماع است که نشانگر نداشتن پایگاه اجتماعی است یعنی کسی که دست به جرم و جنایت می­زند مطمئناً از پایگاه اجتماعی ضعیفی برخوردار بوده. بنابراین افراد اهل مسجد جایگاه مناسبی دارند و همه با احترام به آنان می­نگرند و این پایگاه اجتماعی باعث می­شود که توقع مردم از آنان بالا رود و آنان الگوی اخـلاقی بشوند و به خاطر این جایگاه افراد اهلِ مسجد نمی­توانند از قانون­های اجتماعی سرپیچی کنند چون همه مردم چه اهل مسجد چه غیر مسجد از آنها توقع خاص و مثبتی دارند.

در مساجد علاوه بر اقامه­ی نماز، امور و فعالیت­های دیگری نیز صورت می­گیرد، مانند: تشکیل گروه­های امر به معروف و نهی از منکر؛ تشکیل گروه های بسیج و پایگاه آن؛ فعالیت­های فرهنگی از قبیل: کتابخانه و مسابقه­های فرهنگی و علمی و ورزشی که می­تواند در افزایش سطح فرهنگی جامعه و در کاهش جرم مؤثر باشد.

آسیب­ها و کج روی­های فردی و اجتماعی

«آسیب­شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی ریشه می­گیرد، و این دقیقاً به این علّت است که علمای علوم اجتماعی تشابهی بین بیماری­های عضوی و آسیب­های اجتماعی \_ کجروی­ها و ناهنـجاری­ها- قائـل می­شدند. بنابراین می­توان گفت آسـیب­شناسی اجتـماعی عبارت از شناخت ریشه­ی بی­نظمی­ها در ارگانیسم است در پزشکی به فرآیند و علّت یابی بیماری­ها آسیب­شناسی می­گویند. در مشابهت پیکر انسانی با کالبد جامعه می­توان آسیب­شناسی اجتماعی را مطالعه و ریشه­یابی بی­نظمی­های اجتماعی قلمداد کرد. در واقع آسیب­شناسی اجتماعی مطالعه­ی ناهنجاری­ها و آسیب­های اجتماعی نظیر فحشا، خودکشی، اعتیاد، طلاق، تکدّی و... همراه با علل و شیوه­های پیشگیری و درمان آنها به انضمام مطالعه­ی شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی است.»(ابهری، 1380: 4) در واقع آسیب زمانی پدید می­آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای­بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیش تر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی یا انحراف تلقی می­شود.( افلاکی، 1393(2))

آسیب­ها و کجروی­های فردی و اجتماعی در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات منفی خود را بر روح و روان آدمی می­گذارند. امّا آنچه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می­کند، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده­ی آنهاست؛ و به الطبع راهکارهای اصلاح و بهبود آن نیز با یکدیگر متفاوت است. آنچه که در مورد آسیب­ها در ایران می­توان بیان کرد، این است که با توجه به بافت مذهبی جامعه، آسیب­ها نه تنها یک مسئله­ی اجتماعی است بلکه بار ارزشی نیز دارد و فرد خاطی خود را گناهکار نیز به حساب می­آورد و این عامل می­تواند کمک بسیار زیادی برای جلوگیری از آسیب­ها و کجروی­ها داشته باشد. جامعه­ای که دچار بحران ارزش­ها شود و در آن ضدّ ارزش­ها جایگزین ارزش­ها گردد، در پایان سرنوشتی جز شکست و از هم پاشیدگی نخواهد داشت. از این­رو نـهادهایی که در جامـعه نقش ارزش­گذاری صحیح را داشته باشند و ارزش­های حقیقی را احیا و ترویج نمایند از موقعیّتی والا برخوردارند. که مساجد در جایگاه اصیل خود، با برنامه­ها و فعاّلیّت­هایشان می­توانند یک نهاد ارزش­گذار باشند. (نوبهار،1375)

عوامل مؤثر بر آسیب­ها و کجروی­ها

آسیب شناسی و کجروی­ها به عوامل گسترده­ای بستگی دارد، و در مناطق مختلف یکسان نیستند و مناطق از نظر جرم، شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل متفاوتند. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این­ها در حُسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است. در ثانی بسیاری از این عوامل تأثیراتی بر عوامل دیگر گذاشته و باعث می­شود که طیف وسیعی را دربر بگیرد. برخی از عوامل مؤثر در آسیب­ها و کجروی­های فردی و اجتماعی عبارتند از:

الف ـ عوامل جسمانی و شخصیتی

«برخی از روان­شناسان اجتماعی که درباره­ی کجروی­های اجتماعی تحقیق کرده­اند، عوامل جسمانی و شخصیتی زیر را در آسیب­ها و کجروی­ها بی­تأثیر نمی­دانند:

1) سن: نوع کجروی در سن­های مختلف متفاوت است. برخی بزهکاری جوانان را ناشی از بحران بلوغ و پدیده­های جنسی می­دانند. همچنین «از دیرباز اگر می­خواستند جامعه­ای را به انحطاط و تباهی بکشند، بیشتر توجه خود را به نسل جوان جامعه معطوف می­کردند؛ زیرا این قشر جامعه می­تواند به علّت استعدادها و نیروها و تحرّک خود، شرایط موجود را تغییر داده و اجتماع را به سوی کمال و سعادت رهنمون ساخته و یا به طرف رکود و سقوط بکشاند.»(سقازاده و کریم خانی، 1388 : 111) از این­رو، افراد کجرو، همواره طیف کثیری از جوانان را شامل می­شوند.

2) جنس: نوع جنس در کجروی بی­تأثیر نیست. مثلاً کجروی در زنان، علل، روش و شکل خاص خود را دارد و تعداد جرائم زنان، به نسبت از مردان کمتر است.

3) زشتی و زیبایی: ممکن است نقص عضو، بلندی یا کوتاهی بیش از حد معمول قد، از عوامل مؤثر در کجروی­های اجتماعی باشد؛ زیرا کسانی که دارای نقص عضو باشند، به علّت احساس حقارت و دست کم گرفته شدن بوسیله­ی جامعه برای آنکه مورد توجه قرار گیرند و کاری کنند که مردم به آنها اهمیّت بدهند یا حتّی ترحم ایجاد کنند وادار به رفتارهای انحرافی می­شوند.

4) قدرت عضلانی و جسمانی: برخی از افراد تنومند و قوی مانند لوطی­ها، جاهل­های محل و باجگیران که در نتیجه­ی قدرت عضلانی و جسمانی برای خود حقّی تصور می­کنند، مرتکب کجروی­هایی می­شوند. عکس این نکته نیز صادق است: در میان افرادی که گدایی یا جیب ­بُری می­کنند، اشخاص ضعیف­الجثه نیز دیده می­شود، جامعه عمل هر دو گروه را انحرافی تلقی می­کند.» (ابهری، 1380: 38)

شایان ذکر است که، برخی از ویژگی بارز و برجسته شخصیت کجرو­ها را می­توان خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی و عدم مسئولیت دانست. این گونه افراد به پیامد عمل خود نمی­اندیشند؛ در کارهای خود بی­پروا هستند و در پند گرفتن از تجربیات بسیار ضعیف بوده و در قضاوت­های خود یک سویه هستند. آنان پایبند به قانون و مقررات نبوده و بیشتر به دنبال جلب توجه هستند. البته می­توان به عزّت نفس پایین و احساس کهتری و فقدان اعتماد به نفس و احساس عدم جذابیت نیز در آنها اشاره کرد. (افلاکی،1393(2))

ب- خانواده و روش­های فرزند پروری

باید اذعان کرد که خانواده در هدات و تربیت فرزندان نقش انکارناپذیری دارد. افراد آگاه و خانواده­های مطلع با بهره­گیری از آموزه­های دینی، قرآن، سنت و اتکال به خداوند و توجه به نیازهای مادی و معنوی فرزندان از جمله دادن لقمه­ی حلال به آنها نقش خود را ایفا می­کنند. «جامعه­شناسان عقیده دارند که آشفتگی­ها و نارسایی­ها و معضلات اجتماعی آن­چنان عرصه را بر بعضی از افراد خانواده به خصوص فرزندان تنگ می­کند که آنان را به ناراحتی­های شدید روانی دچار می­سازد. چنین اشخاصی براساس برداشت ذهنی خویش، برای کاهش فشارها و یا رهایی موقت از آنها به مواد مخدّر روی می­آورند. در خانواده­های مستبد، رئیس خانواده به تمام اعضای خانواده امر و نهی می­کنند، در کلیه کارها دخالت مستقیم دارد و همه­ی امور، تنها به میل او صورت می­گیرد، او هیچ کس را در اداره امور یا رفع مشکلات دخالت نداده و حق اظهار به آنها نمی­دهد و با حاکم کردن نظم و انضباطی خشک و بی­روح، زمینه­ی گریز فرزندان را از کانون خانواده فراهم می­آورد. این گونه افراد خود برنامه­ی اعضای خانواده را تعیین و هدف­ها را کنترل و نتایج آنها را ارزشیابی می­کنند و با خودرأیی و خودمحوری، ارتباط خانواده و اعضای آن را بر پایه­ی ترس و خشونت بنا می­نهند. در چنین محیط خانوادگی به جای این که افراد خانه بر پایه­ی مهر و محبّت، احترام متقابل و احساس مسئولیّت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، به خاطر ترس از تنبیه بدنی و اعمال زور و قدرت برنامه­های خود را اجرا می­کنند. در خانواده­ی مستبد، کودک و نوجوان از مطرح کردن مشکلات خود هراس دارد و در نتیجه دچار اضطراب و نگرانی شده و سرانجام شخصیّت وی متزلزل می­شود. پدر و مادری که به فرزندانشان محبّت نمی­کنند و از گوش دادن به درددل­ها و خواسته­های منطقی آنها خودداری می­ورزند و به شخصیّت آنان احترام نمی­گذارند، به تدریج اضطراب و افسردگی را بر روح آنان حاکم می­کنند. این قبیل جوانان و نوجوانان بعدها در رفتارهای اجتماعی مهاجم، زورگو و لجباز می­شوند و همواره به اشخاص کوچکتر و ضعیفتر از خود آزار می­ر­سانند و افرادی بیقرار و ناآرام بار می­آیند و چون رشد عاطفی و اجتماعی­شان نامتعادل است، کم کم به ناسازگاری و بی­لیاقتی خویش پی­می برند و این مسأله ذهن و روحشان را می­فرساید و در نتیجه همیشه دنبال راه حلّی می­گردند تا روحشان را آزاد کنند. بنابراین احتمال اینکه جذب گروه­های فاسد و همساز با خود شوند و به موادّ مخدر و اعتیاد روی بیاورند، بسیار زیاد است.» (ابهری، 1380: 105)

عدم کنترل و نظارت بر فرزندان؛ مشکلات عاطفی از فقدان فیزیکی و معنوی والدین؛ بی­سوادی؛ عدم ارتباط عاطفی والدین با یکدیگر؛ تبعیض بین فرزندان؛کجروی­های اخلاقی پدر، مادر و یا اعضای نزدیک خانواده؛ رواج خشـونت و درگیری­های خانـوادگی؛ اعتـیاد به الکل، موادمخدر و....؛ تعداد زیاد فرزندان و افراد خانواده؛ روش­های انضباطی بسیار سخت­گیرانه و رواج تنبیه­های بدنی؛ طلاق و از دست دادن والدین؛ دیدگاه­ها و ارزش­های ناپسند خانوادگی و... از جمله عوامل آشفتگی کانون خانواده بوده و در نهایت می­تواند از علل بروز آسیب­های فردی و اجتماعی باشد. از این­رو، آشنایی خانواده­ها با تربیت صحیح فرزندان و نوع ارتباط با آنها، نقش بسزایی در جلوگیری از غلطیدن جوانان در منجلاب کنجروی­ها و آسیب­های اجتماعی دارد.

ج- دوستان و همسالان

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار و رفتار و منش است. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش­های آنان است. در غیر این صورت از آن جمع طرد می­شود. از این رو به شدت تحت تأثیر آنان قرار می­گیرد و رفتار و کنش خود را با هنجارهای آنان تغییر می­دهد. به همین جهت امام صادق عليه­السلام فرمودند: « نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید قبل از اینکه گروه­های منحرف بر شما پیشی گیرند[[18]](#footnote-18)(و آنان را به انحراف بکشانند). ادوین ساترلند[[19]](#footnote-19) (1939) در نظریه­ی « انتقال فرهنگ کجروی» بر این نکته ی مهم تأکید می­کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران آموخته می­شود و افراد خود را با آن انطباق می­دهند. (افلاکی:1393)«انسان­هایی که ما را به این سو و آن سو می­کشانند، از راه راست منحرف می­کنند، به راه­های انحرافی، اماکن ناسالم، اعمال ناشایست، اخلاق ناستوده و کارهای پست دعوتمان می­کنند، در حقیقت شیطان­هایی در لباس انسان هستند. دوستی که از من می­خواهد حق دیگری را پایمال کنم، آشنایی که برای انجام کارش به من رشوه می­دهد، همسری که می­خواهد به هر قیمتی شده وسائل رفاه بیشتر او را فراهم کنم، حتی به قیمت محرومیّت دیگران و حتی از راه دزدی یا نوکری جباران و یا هر راه نامشروع دیگری، این­ها همه مظاهر شیطان­اند. چه خواهش­های نفسانی، زیاده طلبی، انحصار طلبی، خودخواهی، پول پرستی، شهوت پرستی، شهرت طلبی، جاه طلبی، استکبار و تمامی کشش­های نفسانی، اینها همه مظاهر شیطان درون هستند.»(تقدّس،1372: 48)

د- محیط اجتماعی

«بسیاری از روان­شناسان و روانکاوران علل رفتارهای انحرافی را بر حسب نقص شخصیّت فرد کجرو توجیه و تبیین می­کنند و بر این باورند که برخی از گونه­های شخصیّت بیشتر از گونه­های دیگر گرایش به تبه­کاری و ارتکاب جرم دارند. در واقع آنان کژ رفتاری­ها را پیش از آنکه به ژن­های غیرعادی یا کروموزوم­های اضافی نسبت دهند، به تجربه­های تلخ دوران کودکی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی او است، می­دانند.»(ابهری، 1380: 43) تحقیقات نشان می­دهد که 80 درصد افراد سیگاری، نخستین بار، در همین مسیر خانه تا مدرسه و به عکس سیگار کشیده­اند. محیط مدرسه پس از کانون خانواده، دوّمین سازمان اجتماعی است که می­تواند شخصیّت کودکان و نوجوانان را بسازد، به ویژه وقتی پدران و مادران در برخورد با کودکان و تربیت صحیح آنان با شکست مواجهه شده باشند، مدارس و مراکز آموزشی بار سنگین­تری را عهده­دار می­شوند.(همان منبع: 1380) نابسامانی های اقتصادی – اجتماعی چون : فقر، تورم، گرانی، بیکاری، بیسوادی، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث محرومیت می­شوند، زمینه­ی مساعدی را برای انواع مختلف آسیب­های اجتماعی، چون: خودکشی، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، فرزندآزاری، زورگیری، طلاق، گدایی و.... فراهم می­آورد. (افلاکی،1393(2))

تأثیر اقامه­ی نماز و حضور در مساجد بر پیشگیری و بهبود کجروی­ها و آسیب­ها

تحقیقات بسیاری درباره­ی تأثیر نماز بر کاهش و یا پیشگیری از جرم و جنایت و آسیب و کجروی­ها صورت گرفته است. مثلا بحرینیان و همکاران (1377)، با بررسی رابطه­ی اقدام به خودکشی و پایبندی مذهبی به نماز دریافتند که 94 درصد افراد اقدام کننده به خودکشی اصلا نماز نمی­خوانند، یا به ندرت یا گه گاه نماز یومیه می­خواندند. و دیگر این که اقدام به خودکشی، بستگی منفی شدیدی با پایبندی به نماز دارد و سهل انگاری نسبت به نماز از راه­های مختلف می­تواند زمینه ساز ایجاد عوامل وابسته به خودکشی شود. جامی (1392) در بررسی خود به این نتیجه رسید که بین عملکرد مساجد با پیشگیری از جرم و جنایت رابطه­ی معنی­داری وجود دارد و مساجد از طریق تربیت نیروهای متعهد، افزایش معنویت در افراد جامعه مخصوصاً نوجوانان و جوانان و گسترش دینداری در بین افراد جامعه تأثیر بسزایی در پیشگیری از وقوع جرم دارند.

«روان شناسان به کمک محققان دیگر به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهیم ما بیش از 50 درصد کسانی که بعـنوان بیمار روانی بستری شدند و تخت­ها را اشغال کردند را درمان بکنیم ناگزیر باید از مذهب به عنوان مهم­ترین عامل در درمان بیمار روانی بهره­مند بشویم.» (ستاد اقامه نماز، 1373: 37) در تمامی این تحقیقات بین عامل نماز و پایبندی به آن، و رفتن به مساجد و استـمرار در آن، رابطه­ی مـعنی­داری وجود داشته است. بدین معنی که هر چقدر افراد به نماز خواندن توجه بیشتری دارند و یا بیشتر به مساجد می­روند کمتر مرتکب خطا و کجروی می­شوند. کسانی که نماز می­خوانند می­دانند که خداوند قهاری وجود دارد تا آنان را مورد بازخواست قرار دهد. یاد خدا بهترین وسیله براى خویشتن­دارى و کنترل غرایز سرکش و جلوگیرى از روح طغیان است. نمازگزار همواره به یاد خدا مى­باشد. خدایى که از تمام کارهاى کوچک وبزرگ ما آگاه است، خدایى که از آنچه در زوایاى درون ما وجود دارد و یا از اندیشه­ی ما مى­گذرد، مطلع و با خبر است و کـمـترین اثر یاد خدا این است که به خودکامگى انسان و هوس­هاى وى اعتدال مى­بخشد، چنان که غـفلت از یاد خدا و بى­خبرى از پاداش­ها و کیفرهاى او، موجب تیرگى عقل و خرد و کم فروغى آن مى­شود. انـسـان غـافـل از خـدا در عـاقبت اعمال و کردار خود نمى­اندیشد و براى ارضاى تمایلات و غرایز سـرکـش خـود حد و مرزى قائل نیست و این نماز است که او را در شبانه روزپنج بار به یاد خدا مى­اندازد و تیرگى غفلت را از روح و روانش پاک مى­سازد. به راستى، انسان که پایه­ی حکومت غرایز، در کانون وجود او مستحکم است، بهترین راه براى کنترل غرایز و خواسته­هاى مرزناشناس او، همان یاد خداست، یاد کیفرهاى خطاکاران و حساب­هاى دقیق و اشتباه ناپذیر آن قهار و جبّار.

توجه به مجازات و تنبیه خطاکاران باعث گردیده که تحقیقات زیادی در این زمینه صورت گیرد به طوری که «امروزه پس از مطالعات و تحقیقات علمی فراوان، روانشناسی نوین علمی، به این نتیجه رسیده اند که هیچ کنترل اجتماعی و هیچ قانون و مقرّرات و سیستم بازدارنده­ی اجتماعی تا زمانی که یک سیستم بازدارنده ی داخلی در درون افراد و در باطن و ضمیر خودآگاه انسان­ها به وجود نیاید و رشد ننماید، مؤثر نخواهد بود و قوانین و مقرّرات اجتماعی هر قدر شدید باشد و هر قدر با قدرت و دقّت اجرا شود قادر نخواهد بود از وقوع جرائم و جنایات در جامعه جلوگیری نماید.» (تقدّس،1372: 18) از این­رو، نمازگزاران فقط از ترس مجازات نیست که دست به اقدامات انحرافی نمی­زنند؛ بلکه چون در مکتب مسجد بزرگ شده­اند، شأن اجتماعی خود را ارج می­نهند و در جامعه، خود را از ایذاء و شرارت­ها دور نگه می­دارند، اذیت و آزارشان به کسی نمی­رسد؛ مردم از دست و زبانشان در امان هستند و در حب و بغض­های اجتماعی خدا را فراموش نمی­کنند.« مطالعات و تحقیقات نشان می­دهد تا زمانی که اعضای جامعه پایبند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی­آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملّی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال 1959 صورت گرفته است، 72 درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی­گزاردند و 53 درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی­گرفتند. به هر حال این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع است، نظری عمومی است و این تحقیق نیز موید این نظریه است.» (افلاکی، 1393: 3) اگر افراد جامعه و خصوصاً جوانان، اهل نماز شدند، دیگر مرتکب جرم و گناه نشده و از گذشته خود توبه خواهند نمود. امروزه که مسأله بزهکاری و بویژه بزهکاری نوجوانان در سراسر جهان، ذهن اندیشه­وران را به خود معطوف نموده، اگر فرهنگ نماز خواندن گسترش یابد خواهد توانست مانع بروز کجروی­های گوناگون در بین این اقشار آسیب‌پذیر جامعه باشد و یا آنها را به میزان قابل توجه کاهش دهد. وگرنه، هیچ قانون مدنی- اجتماعی نمی­تواند با فشار از بیرون، اشتیاق و هیجان­طلبی یک نوجوان را کنترل کند. چنان که خداوند در قرآن می­فرمایند: تارکین نماز همان مجرمینی هستند که وقتی از آنان سؤال می‌شود که چه چیز باعث جهنمی شدن شما شده است؟ می‌گویند ما نماز نمی‌خواندیم.[[20]](#footnote-20)

|  |
| --- |
|  |

چه نیکو فرموده است رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، که: « به نماز و مساجد اهمیت دهید که پرونده‌های دادگستری مال بی‌نمازهاست و نمازخوان­های واقعی در دادگستری پرونده ندارند، نماز خوب، فحشا و منکر را از یک ملت بیرون می‌کند. این­هایی که به مراکز فساد کشیده شدند بی‌نمازها هستند.(نشریه اصلاح و تربیت، شهریور 80) در این میان می­توان به خانواده­ها و والدین نیز اشاره داشت. زیرا اوّلین سنگ بنای جامعه، خانواده است که اگر خانواده­ها فرزندان خود را به بهترین نحو با نماز و مساجد آشنا سازند و بر مبنای آداب و آموزه­های دینی تربیت کنند، بیش از نیمی از مشکلات و آسیب­های اجتماعی کاهش خواهد یافت. والدین می­توانند از روش­های مختلفی برای جذب کودکان و نوجوانان به نماز و مسجد اقدام کنند. مانند: روش محبّت، روش الگویی، روش معرفتی، روش شرطی، ایجاد رغبت و جاذبه­ی غیرمستقیم، روش تلقین، روش اقتدار و روش تکرار و مداومت. ( افلاکی،1393) نه تنها والدین و خانواده­ها باید به مبحث نماز توجه وافری داشته باشند، بلکه دولتمردان و مدیران و مسئولین برای ترویج اقامه­ی نماز و حضور در مساجد باید برنامه­ریزی و سیاستگذاری هایی داشته باشند. چون با توجه به تمامی تحقیقات هر چقدر به مبحث نماز و حضور در مساجد اهمیت داده شود به همان میزان کجروی­ها کاهش یافته و به دنبال آن مشکلات و مسائل جامعه نیز کمتر خواهد شد.

نتیجه گیری

اقامه­ی نماز و حضور در مساجد، اهرم اراده و انضباط و توجه انسان است به اخلاق، ادب، خودشناسی و خداشناسی؛ که منجر به ایفای نقش­ها و وظایف فردی و اجتماعی و تحقق انسانِ اسلامی، می­گردد. هدف غایی اسلام و رسالت انبیاء در این بوده است که، آدمی را مکلّف به نماز و انسانیت و باروری اخلاق و ادب کند تا بشریت با حرکت و پویایی در شاهراه درست­کِرداری، به رستگاری برسد. چون انسانِ موحد و ستایشگر است که با انجام واجبات و پرهیز از محرّمات، به هنجارها و مسائل فردی و اجتماعی احترام می­گذارد و با گردن نهادن به رعایت حقّ­الناس، از زیاده خواهی و تکبر، که او را به نابودی و پایمال کردن حقوق سایرین می­کشاند، و نیز، از آسیب­ها و کجروی­ها در امان خواهد ماند.

خداوند با تعیین بایدها و نبایدهای دینی، از انسان می­خواهد که با آنچه از نعمت­های خداوندی، در اختیار دارد سالم زندگی کند و از همه­ی نعمات الهی، به درستی استفاده نماید و با دزدی، تعرض و تجاوز و...، اسباب ظلم و ستم به مخلوقی از آفریده­های خداوند را فراهم نکند و آتش جنگ بین بندگان را فراهم نیاورد و برده­ی شیطان و خودپرستی و خودخواهی نشود؛ تا در روزی چون رستاخیز، به سقوط و تباهی کشیده نگردد که در آن روز پشیمانی و انگشت به دهان گزیدن سودی نخواهد داشت. از این­رو، نهادی چون مسجد را به عنوان خانه­ی خود و محلّ اجتماع بندگان، قرار داد تا نه تنها آدمی با تجمع در آنجا به حل و فصل بحران­ها و آسیب­های جامعه بپردازد، بلکه آستین همّت بالا بزند و از روی تکلیف و وظیفه، پرچم تربیت آحاد افراد جامعه ـ به خصوص جوانان که سرچشمه­ی استعداد و شور و اشتیاق و انگیزه و قدرت هستند ـ ­را برافراشته داشته و با توجه به اصول دین، در کنار اقرار به توحید و یگانگی خدا، عدل خداوندی را مدنظر داشته و همواره بکوشد که خود را برای روز رستاخیزی چون معاد آماده کند و با حسابرسی به اعمال خویشتن و توجه به سیره­ی نبوت و امامت، در کنار نماز که پرچم وجود اسلام و ستون دین است، مواظب آسیب­هایی باشد که از ناحیه­ی گناه و کجروی دامنش را نیالاید و به ورطه­ی نابودی نکشاند. به دور از هرگونه شعار باید اذعان داشت که اگر مسجد و اقامه­ی نماز و جایگاه واقعی آن در جهان اسلام به درستی درک شود، بسیاری از معضلات و مشکلات به ویژه در مسائل کجروی­ها و آسیب­ها، برطرف خواهد شد. امید است تا تمامی نهادها و ارگان­ها و مدیران در جهت تشویق و گسترش فرهنگ نماز دست در دست هم دهند تا بتوانند افراد و جامعه­ای تربیت کنند تا از این آسیب­ها و کجروی­ها بدور باشند و در جهت پیشرفت و تعالی بشریت گام بردارند.

پیشنهادات

در راستای پررنگ شدن نماز و حضور مردم در مساجد و سوق جوانان به سوی نماز و اعتقادات دینی و تحقق هویت دینی- اجتماعی، پیشنهاد می گردد:

برگزاری کلاس­های احکام و فرهنگی و علمی و حتی ورزشی در مساجد و دادن جوایز نفیس به جوانان در جذب و مشارکت فعالانه جوانان به مسجد و نماز موثر بوده و این روش در کاهش جرایم اجتماعی می­تواند موثر باشد.

ارتباط نزدیک ائمه جماعت با نمازگزاران البته به صورت صمیمی و دوستانه نه خشک و رسمی, جوانان را به مشارکت در امور مساجد و خواندن نماز تشویق می­نماید.

بکارگیری جوانان در امور مساجد و پایگاه­ها و در بسیج و حتی بیمه کردن و دادن حقوق هر چند اندک باعث جذب جوانان به مسجد شده و از جرایم اجتماعی می­کاهد.

دادن وام­های ازدواج و معرفی جوانان اهل مسجد و پایگاه­های مساجد به بانک­ها برای دریافت وام بیکاری و اشتغال باعث می­شود که جوانان به جای رفتن به دنبال کارهای کاذب شغل مناسبی برای خود ایجاد کنند و در نهایت این روش نیز در کاهش جرایم اجتماعی مؤثر خواهد بود.

آشتی دادن نسل حاضر با مسجد و شعار معمارانقلاب اسلامی امام خمینی (ره): "مساجد سنگر است" : الف) رونق دادن به مراسم­ها و جشن­های مذهبی ب) تربیت خطیبان و واعظان مسلط به علوم دینی و مسائل روزِ دنیا.

برگزاری جلساتی در مساجد و مصلی­ها: الف) به منظور ارتقاء دادن اطلاعات جوانان در رابطه با دین و لزوم دینداری ب) مشاوره با کارشناسان و مبلّغان دینی.

امر به معروف و تشویق به نماز با : الف) بیان ارزش و آثار و فوائد نماز ب) برگزاری مسابقاتی برای احیای علوم دینی در میان جوانان. ج) برگزاری جلسات آموزشی در مدارس و دانشگاه­ها.

توضیح و تشریح هویت فرهنگی و اجتماعی برای نسل جوان.

ترویج مطالعه­ی کتب اخلاقی و اعتقادی: الف)تشویق جوانان برای کتابخوانی به منظور آشنایی با آثار عارفان و عالم ربّانی چون امام خمینی (ره) ب) نقد و بررسی آثار بزرگانی چون استاد شهید مرتضی مطهری به منظور افزایش اطلاعات و آگاهی­های دینی و اعتقادی جوانان.

ارائه­ی الگوی عملی به فرزندان با نماز خواندن اولیاء و مربیان و ... .

تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای­بندی عملی والدین به آموزه­های دینی.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابوالقاسمی، سعید(1393) مسجد کانون حیات طیبه خانواده، چکیده مقالات فام( ایده های مسجدی)، قم: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ابهری، مجید، (1380)، علل و عوامل بروز و رشد آسیب­های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن، تهران: نشر پشوتن.

تقدّس، علیرضا،(1372)، دنیای ناشناخته­ی نیایش(نگرشی بر نیایش امام سجّاد علیه­السلام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ هشتم.

تقوی، سیّدرضا، (1385)، رسالت و جایگاه نماز جمعه، تهران: نشر مؤسسه ی فرهنگی نورالأئمه(س).

جوادی آملی، عبدالله، (1392)،رازهای نماز، ترجمه­ی علی زمانی قمشه­ای، قم: مرکز نشر اسراء.

خرسندی، حسن، (1389)، چرا بعضی ها نماز نمی خوانند؟، قم: معصومین علیهم السلام.

حرّعاملی، محمّد بن حسن، (متوفای سال 1104ه.ق)،(ج 3و5.)، وسائل الشیعه،الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت لبنان: دارالإحیاء التراث العربی.

ستاد اقامه­ی نماز،(1376)، نماز حقیقت درخشنده (مجموعه مقالات پنجمین اجلاس سراسری نماز)، قم: ستاد اقانه نماز.

ــــــــــ(1373)، نماز پیوند خلق و خالق(سوّمین سمینار نماز، بابلسر،72)،قم: مهر.

سقّازاده، سیّدمحمّد و کریم­خانی،حمزه، (1388)، هجوم خاموش (آسیب­شناسی نسل جوان)، قم: عطر یاس.

سیّد رضی، محمّد بن حسین بن موسی (359-406ه.ق)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح.

صانعی، پرویز،(1372)، جامعه شناسی ارزشها، تهران: گنج دانش.

طاهری، یدالله و مرتضی انصاری (1387)، سراب شادی، تهران: نشر عابد.

علامه نوری، (1378)، وصول به کرامت انسانی یا اخلاق خودسازی، تهران: انتشارات نوید نور.

کلینی، ابی جعفر محمد ابن یعقوب بن اسحاق(1374)، اصول کافی، با ترجمه و شرح فارسی محمدباقر کمره­ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

مجلسی،محمدباقر،(متوفای1110ه.ق)،(1404)،بحارالأنوار، الجامعه الدرراخبار ائمه الاطهار، (ج77 و 82)، بیروت: مؤسسة الوفاء.

معین، محمد (1363) فرهنگ معین، چاپ ششم، تهران : امیر کبیر.

نوبهار، رحیم، (1375)، مسجد نمونه، تهران: ستاد اقامه نماز.

مقالات:

افلاکی، حسین(1393)، مقاله ی نقش دین در کاهش آسیب های اجتماعی، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی، مرودشت، آذرماه 93

ـــــــــــ(1393)(2)، مقاله ی آسیب های اجتماعی، علل و عوامل بروز، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی، مرودشت، آذرماه 93

بحرینیان، سید عبدالمجید و همکار(1377)، پیشگیری از کجروی با تاکید بر آموزه های دینی، همایش علمی نقش فرهنگ سازی دینی در ارتقای امنیت اجتماعی، قم: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی قم.صص 118-168

بيابانگرد، اسماعيل، (1383)، افت تحصيلي يا اتلاف در آموزش و پرورش، فصلنامه تعليم و تربيت، سال دوم، شماره 8و 7.

جامی، ناصر و صفر مردی(1392)، بررسی نقش مساجد در پیشگیری از جرایم، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال سوم، شماره اول(پیاپی8). صص 88-71

جانی پور، محمد(1390)، راهکارهای تقویت و رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه با تأکید بر نقش مساجد، نشریه مهندسی فرهنگی،سال ششم، شماره 89 و 60

حيدري، اكرم، (1385)، بلوغ، مشكلات رواني نوجوان وجوان، افت تحصيلي، تهران: نشر گستر.

شرفی، محمدرضا، (1379) مبانی و آثار روانشناختی نماز.

شبکه­ها و سایت­های مجازی:

شبکه ی اینترنتی راسخون: <http://rasekhoon.net/article/show/135951/>دوشنبه، 22 فروردين 1390، نويسنده: محمد محمدي اشتهاردي.

1. - وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. و به راستى ما فرزندان آدم را گرامى داشتيم و آنان را در خشكى و دريا [بر مركبها] برنشانديم و از چيزهاى پاكيزه به ايشان روزى داديم و آنها را بر بسيارى از آفريده‏هاى خود برترى آشكار داديم. اسراء/70. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وَ جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاة. الخصال‏، ج 1، صص165و166.‏ [↑](#footnote-ref-2)
3. - شبّهها رسول الله بالحِمّة تکون علی باب الرّجل فهو یغتسل منها فی الیوم واللیلة خمس مرّاتٍ، فما عسی أن یبقی عال یه من الدَرَن. خطبه ی 199/ نهج البلاغه. [↑](#footnote-ref-3)
4. - أقم الصّلاة لذکرى. به ياد من نماز برپا دار. طه/14. [↑](#footnote-ref-4)
5. - قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع‏ أُحَاجُّ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِسَبْعٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْقَسْمِ بِالسَّوِيَّةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ وَ إِقَامِ الْحُدُود.... . ‏، الخصال،ج 2،ص 363.‏ [↑](#footnote-ref-5)
6. - همانا نماز، انسان را از زشتي ها و گناهان باز مي دارد. عنکبوت/45. [↑](#footnote-ref-6)
7. - إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا/وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا/إِلَّا الْمُصَلِّينَ ... چون صدمه‏اى به او رسد عجز و لابه كند/ و چون خيرى به او رسد بخل ورزد/ غير از نمازگزاران / (معارج/ 20-22) [↑](#footnote-ref-7)
8. - وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاء وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ.. و ما آنچه را براى مؤمنان مايه درمان و رحمت است از قرآن نازل مى‏كنيم ( اسراء/ 82). [↑](#footnote-ref-8)
9. - انِ الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر همانا نماز، انسان را از زشتي ها و گناهان باز مي دارد.(عنکبوت/45). [↑](#footnote-ref-9)
10. - علی علیه­السلام فرمودند: نماز دژ مستحکمی است که نمازگزار را از هجمه­های شیطان محافظت می­کند. (تقوی، 1385: 36و37). [↑](#footnote-ref-10)
11. - وَاسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَةِ ... . از شكيبايى و نماز يارى جوييد... . (بقره/45) [↑](#footnote-ref-11)
12. - حضرت امام رضا علیه­السلام فرمودند: نماز برای انسان با تقوی، وسیله­ی تقرب به خداوند است. وسائل الشیعه، الی تحصیل مسائل الشریعه، محمّد بن حسن حرّعاملی،(متوفای 1104ه.ق) تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، نشر: داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان. ج3، ص30. [↑](#footnote-ref-12)
13. - حضرت فاطمه سلام الله­علیها فرمودند: خداوند نماز را به خاطر پاک کردن درون از خود بزرگ بینی واجب کرده است. بحارالأنوار، الجامعه لدرراخبار ائمه الاطهار، علامه مولا محمد باقر مجلسی، (متوفای1110ه.ق)، انتشارات مؤسسه الوفاء بیروت. ج82، ص209. [↑](#footnote-ref-13)
14. - إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ. منم من خدايى كه جز من خدايى نيست پس مرا پرستش كن و به ياد من نماز برپا دار. (طه/14) [↑](#footnote-ref-14)
15. - الصلاه معراج المؤمن، جواهر الکلام ج7، ص 12. [↑](#footnote-ref-15)
16. - وسائل الشیعه، محمّدبن حسن عاملی، ج5، ص263 [↑](#footnote-ref-16)
17. - مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا حَتَّى یَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُحِیَ عَنْهُ عَشْرُ سَیِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَات. (وسائل الشیعه، ج 3، ص 483) [↑](#footnote-ref-17)
18. - بادروا احداثکم بالحدیث قبل ان یسبقکم الیهم المرجئه. (اصول کافی، ج 6، ص 47; وسایل الشیعه، ج 15، ص 196) [↑](#footnote-ref-18)
19. 2- E.Sutherland [↑](#footnote-ref-19)
20. - مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ / قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ .(مدثر/ 42 و43) [↑](#footnote-ref-20)